

امکان‌سنجی عملیاتی کردن نهاد معامله‌اتهام در ایران با تأکید بر مدیریت‌گرایی حقوق کیفری

فاطمه احدی^۱

پریوش کرمانیان^۲

چکیده

معامله‌اتهام یکی از جلوه‌های قراردادی شدن حقوق کیفری است که بر پایه آن متهم و دادستان توافق می‌کنند که متهم اتهام وارده را پذیرفته، همکاری‌های سودمندی با نظام عدالت کیفری داشته باشد تا در مقابل، از مزایایی چون تغییر نوع اتهام برخوردار شود. این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده، به امکان‌سنجی پیاده‌سازی معامله‌اتهام در ایران می‌پردازد. معامله‌اتهام همانند هر نهاد کیفری دارای مؤلفه‌های ویژه‌ای همانند موافقت‌نامه، تعهدات متهم و مقام تعقیب است. وجود نهادهای عدالت‌ترمیمی، وجاهت بر پایه سنجه‌های عدالت و مصلحت، ارفاق‌گرایی کیفری در فرایند رسیدگی به اتهامات منجر به مجازات‌های تعزیری و ... نمونه‌هایی از بسترهای پذیرش این نهاد در قوانین کیفری است. دستورالعمل‌های رئیس دستگاه قضا و انعطاف‌پذیری در سیاست‌های کیفری و قضایی، مشروعیت‌افزایی نظام دادرسی کیفری و استفاده از پیامدهای سازنده جرم‌شناختی، برخی از بسترهای پذیرش این نهاد در کشورمان است. نگارندگان این پژوهش دریافته‌اند که به دلیل وجود بسترهای هم‌پیوند با نهاد معامله‌اتهام در نظام عدالت کیفری کشورمان، امکان پیش‌بینی این نهاد کیفری در تحولات آتی آیین دادرسی کیفری ایران وجود دارد.

واژگان کلیدی: بزهدیده، دادستان، متهم، فرایند کیفری، معامله‌اتهام.

۱. fatemeh.ahadi1394@gmail.com

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی مراغه، مراغه ایران (نویسنده مسئول)

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه، مراغه، ایران

kermanian.pariwash@gmail.com

مقدمه

در آغاز هزاره سوم میلادی، چگونگی میان کنش حاکمیت و شهروندان بیش‌ازپیش دگرگون شده و متغیرهای گوناگونی بر آن اثر گذارده است. مردمی شدن نظام‌های کیفری و خروج حقوق کیفری از برج عاج خود زمینه پیاده‌سازی سیاست‌ها و راهبردهای نوین کیفری را فراهم آورده است.

در این میان نظام دادرسی کیفری بسیار بیش از دیگر سازه‌های نظام عدالت کیفری از این فرایند مردمی شدن سود می‌برد، چراکه در روزگار ما جهانی شدن بزهکاری ضرورت درپیش گرفتن رهیافت‌هایی متناسب با گستره و نیز شدت اثرگذاری پیامدهای گوناگون آن را به میان آورده و کشورها را به انتخاب راهکارهایی افتراقی فراخوانده است.

این تغییر نگرش در کنش‌های نظام دادرسی کیفری می‌تواند به‌خوبی زمینه مدیریت کیفری مناسب کنش‌های جامعه‌ستیزانه را فراهم آورد، چراکه با پیدایش یک تقسیم کار، نظام دادرسی کیفری چگونگی واکنش در برابر رفتارهای مجرمانه‌ای را که زیان کمتری برای جامعه به‌همراه دارند، با هماهنگی شهروندان تعیین می‌کند. در مقابل، بیشترین توان عملیاتی خود را بر رفتارهای مخاطره‌آمیز می‌گذارد؛ روندی که از جمله به مکدونالدی شدن نظام عدالت کیفری اشتهار یافته که خود به مفهوم درپیش گرفتن بایسته‌های عدالت سنجشی در برابر پدیده‌های مجرمانه است.

بنابراین تغییر رویکرد پیش‌گفته نظام عدالت کیفری و مردمی شدن دادرسی کیفری می‌تواند پیامدهای سازنده‌ای را در سرتاسر قلمرو نظام کیفری پدید آورد. این پیامدها از چشم‌اندازهای گوناگون نظری و عملی سزاوار بررسی هستند. برای نمونه، در جرم‌شناسی سازمانی به‌عنوان یکی از گونه‌های جرم‌شناسی انتقادی که به مطالعه نقش راهبردهای عملی نظام عدالت کیفری در ارتکاب جرم می‌پردازد، باید پذیرفت که پیاده‌سازی هر یک از جلوه‌های قراردادی شدن حقوق کیفری چه پیامدهای سودمندی را از دیدگاه کاهش ارتکاب جرم برجا می‌گذارد.

یکی از نمادهای برجسته این رویکرد نظام دادرسی کیفری را باید درپیش گرفتن

نهادهای کیفی نوینی همانند معامله‌ اتهام دانست که در آن از متهم نیز در چگونگی پیشبرد فرایند کیفی و پاسخ‌دهی جامعه به کنش‌های او نظرخواهی می‌شود. با اینکه امروزه حکم محکومیت مبتنی بر صدور کیفرخواست در دادسرا است^۳، اما در این نهاد کیفی کنش‌ها و دیدگاه‌های متهم نیز می‌تواند در صدور آن تأثیرگذار باشد.

این نهاد که امروزه در شماری از نظام‌های دادرسی کیفی غربی دیده می‌شود، پیامدهای آشکاری را از چشم‌انداز شاخه‌های گوناگون علوم جنایی به‌همراه دارد. از همین رو، مناسب است که افزون بر مطالعه فراگیر این پیامدها، جایگاه آن در نظام دادرسی کیفی کشورمان بررسی شود.

در این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از منابع دسته اول پژوهشی نگاشته شده، پس از مفهوم‌شناسی فشرده نهاد معامله‌ اتهام، با مطالعه بسترهای کنونی برای پذیرش آتی این نهاد و نیز خلأها و آسیب‌های احتمالی موجود، کوشش شده است تا به این پرسش پاسخ داده شود که آیا می‌توان در تحولات آتی نظام دادرسی کیفی به پدیداری این نهاد در فرایند کیفی در ایران امیدوار بود؟

۱. معامله‌ اتهام

این پژوهش به امکان‌سنجی پیاده‌سازی نهاد معامله‌ اتهام در ایران و خلأها و آسیب‌های احتمالی آن می‌پردازد. از همین رو، لازم است در این گفتار به کلیاتی از آن بر پایه دکتین آیین دادرسی کیفی پرداخته شود.

۱.۱. مفهوم‌شناسی

معامله‌ اتهام دانش‌واژه‌ای است که از دو دهه پیش در سپهر نظام‌های دادرسی کیفی غربی جلوه‌گر شده است. مفهوم‌شناسی این نهاد کیفی و جلوه‌های آن و همچنین نهادهای مشابه آن می‌تواند به‌خوبی جایگاه آن را در کشورهای پیش‌گفته آشکار و امکان‌سنجی مناسبی را از پیاده‌سازی آن در نظام دادرسی کیفی ایران به‌دست دهد.

3. Rebecca K, Helm, "Cognitive Theory and Plea-Bargaining, Policy Insights from the Behavioral and Brain Sciences", vol. 5, 2, (2018), p. 195.

باید به یاد داشت که هریک از دانش‌واژگان استفاده‌شده در یک دانش، افزون بر معنای اصطلاحی یا فنی خود دارای یک معنای لغوی است. بنابراین مفهوم‌شناسی سنجیده یک دانش‌واژه، مستلزم توجه به هریک از معانی پیش‌گفته است.

۱.۱.۱. مفهوم لغوی

معامله اتهام - همان‌گونه که از نام آن نیز برمی‌آید - به مفهوم کنشی است که درباره اتهام وارده به یک یا چند متهم انجام می‌شود. معامله در واقع، مفهومی مدنی است که به وجود دو عوض در یک رابطه حقوقی و بار شدن پیامدها و آثار حقوقی بر آنها اشاره دارد.

افزون بر این، باید از دید مفهوم‌شناسی لغوی اشاره کرد که در متن‌های انگلیسی، عبارت Plea-Bargaining معادل معامله اتهام آمده است. برابرنهاده فارسی ترکیب یادشده را «چانه‌زنی کیفری»، «معامله اتهام» و «معامله یا دادوستد اتهام» گفته‌اند که البته دو اصطلاح اخیر در ادبیات حقوقی ایران بیشتر رواج یافته است.^۴

در این راستا، دو طرف پرونده کیفری یعنی دادستان و متهم نیز درباره اتهام وارده بر متهم که پس از شکایت شاکی یا مدعی خصوصی مطرح شده است، با یکدیگر توافق می‌کنند. همان‌گونه که پیش‌تر نیز گفته شد، در اینجا گونه‌ای آمیزش و همکاری میان حقوق مدنی و حقوق کیفری شکلی مشاهده می‌شود تا در پرتو آن، یک نهاد مؤثر و پربازده در دادرسی کیفری و در پرونده‌های مطرح‌شده در فرایند کیفری کنش‌گری کند.

۱.۱.۲. مفهوم اصطلاحی

تعریفی از این نهاد از سوی قانون‌گذار ارائه نشده و این امر به آن دلیل است که مقامات قضایی بایستی آن را مراعات نمایند. تنها در سال ۱۹۷۱ دیوان عالی ایالات متحده معامله اتهام را به‌عنوان بخش عمده و قابل قبول نظام کیفری پذیرفته است. در خصوص فواید معامله اتهام نیز گفته شده است که موجب کاهش تراکم پرونده‌ها در مراجع رسیدگی و نیز

۴. سید درید، موسوی مجاب و فرزانه، مرادی، «مطالعه تطبیقی نهاد دادوستد اتهام در نظام کامن‌لا و حقوق نوشته»، مجله پژوهش‌های حقوق کیفری، سال اول، ش ۱ (۱۳۹۴)، ص ۲.

سبب کاهش ریسک‌پذیری با توجه به عدم ضرورت کوشش برای کشف حقیقت می‌شود.^۵ مطالعه‌ دکتترین بین‌المللی دادرسی کیفری نشان می‌دهد که تاکنون تعریف جامع و پذیرفته‌شده‌ای از نهاد معامله‌ اتهام به‌عمل نیامده است. با وجود این، تعاریف چندی از آن در گفتمان آیین دادرسی کیفری کشورمان وجود دارد که به برخی از آنها به‌گونه‌ای فشرده اشاره می‌شود:

معامله‌ اتهام^۶ عبارت است از مذاکره و چانه‌زنی پلیس یا قاضی با متهم به‌منظور پذیرش اتهام از سوی متهم در برابر دادن امتیازاتی به او.^۷ همچنین گفته شده که معامله‌ اتهام توافقی است دوجانبه میان متهم و مقام تعقیب با محتوا و پیامدهای مشخص.^۸

با مطالعه‌ ادبیات موجود پیرامون این نهاد شناخته‌شده در نظام‌های دادرسی کیفری می‌توان این تعریف را از معامله‌ اتهام بیان کرد:

«معامله‌ اتهام توافقی میان متهم و مقام تعقیب است که به‌موجب آن متهم با پذیرش مجرمیت و نیز معرفی همدستان و یا بیان اطلاعاتی سودمند درباره‌ اتهام وارده، به‌طور کلی کمک‌های مؤثری به سامانه‌ تعقیبی برای پیگرد جرم می‌کند و در مقابل نیز مقام تعقیب متعهد می‌شود که به ازای کمک‌های یادشده متهم به او ارفاق‌هایی بکند؛ مانند تخفیف مجازات و یا برائت متهم در پرتو تنظیم ملایمت‌آمیز کیفرخواست».

بنابراین مشاهده می‌شود که در نهاد معامله‌ اتهام، دو نهاد کیفری و مدنی به‌گونه‌ای ویژه درهم آمیخته و پیامدهایی حقوقی از آنها به‌دست می‌آید. این پیامدها به مدیریت کیفری مناسب جامعه یاری خواهد رساند. افزون بر این، اگرچه پذیرش عمومی معامله‌ اتهام هنوز گسترده نیست، اما چندبعدی بوده، به عواملی همچون اشخاص نقش‌آفرین در آن، نوع

۵. عطاءالله، روشن قنبری، «نگاهی به معامله‌ اتهام در حقوق ایالات متحده آمریکا»، مجله کانون، ش ۱۰۳ (۱۳۸۹)، ص ۱۰۱.

6. plea-bargaining

۷. هوشنگ، شامبیاتی و علی، پروینی، «تخصصی کردن ضابطین گامی به سوی حقوق کیفری قراردادی»، مجله تحقیقات حقوقی آزاد، ش ۲۵ (۱۳۹۳)، ص ۶۰.

8. Olga.S, Demko, "Institute of Plea Bargain: Features of Legal Regulation", Journal of Politics and Law, Vol. 10, No. 4,(2008), p. 188.

توافقات به‌دست آمده، و نیز ویژگی‌های متهمان، بستگی دارد.^۹ پذیرش گسترده این نهاد کیفری و پیدایش نگرش‌های مثبت نسبت به آن، مستلزم تدابیر ویژه در چارچوب مدیریت کیفری است. مدیریت‌گرایی کیفری از این دیدگاه بستگی مستقیمی با رهیافت مک‌دونالدی کردن عدالت کیفری دارد. همان‌گونه که معامله‌اتهام توافقی میان متهم و دادستان برای دستیابی به نتیجه‌ای مشخص است، عدالت کیفری زمینی‌شده را نیز می‌توان دادوستد کرد، به معامله‌پایاپای گذاشت و برای کاهش جمعیت کیفری زندان و... آن را مورد معامله قرار داد.^{۱۰} بنابراین نهاد معامله‌اتهام با توجه به ماهیت و کارکردهای خود، جلوه‌بارزی از مدیریت‌گرایی کیفری است.

امروزه معامله‌اتهام به‌عنوان یک نهاد کیفری بسیار مهم و اثرگذار درآمده است. برای نمونه، معامله‌اتهام یک عامل تعیین‌کننده در شمار زندانیان و نیز میزان دسته‌بندی‌های پدیدآمده در زندان است.^{۱۱} بنابراین نگرش نظام دادرسی کیفری به این مسئله، پیامدهای مهمی را از چشم‌اندازهای کیفرشناختی، جرم‌شناختی و آیین دادرسی کیفری دارد.

در دکتترین بین‌المللی آیین دادرسی کیفری میان دانش‌واژگان معامله‌اتهام و به عبارت بهتر، نگاشته برآمده از آن با کیفرخواست^{۱۲} تفاوت‌هایی وجود دارد؛ چراکه در صورت صدور کیفرخواست هیچ مسئولیتی در قبال آن برای شخص دادستان متصور نیست. درحالی که متن قرار صادره در نتیجه معامله‌اتهام به‌تنهایی موجب تحقق مسئولیت دادستان در صورت عدم انجام تعهدات است، چراکه او خود ابتکار عمل را برای تحقق این نهاد کیفری در دست دارد و کاربرد آن نیز تنها در دادرسی است. در شرایطی که در مقابل، کیفرخواست از دادرسی به دادگاه راه یافته و نشان‌دهنده باورمندی مقام تعقیب به مسئولیت کیفری متهم در عین استحقاق او به برخورداری از مزیت مجازات یک یا دو درجه سبک‌تر است.

9. Kevin Kwok-yin, Cheng, "Public Approval of Plea Bargaining in Hong Kong: The Effects of Offender Characteristics", *International Criminal Justice Review*, vol. 26, (2015), p. 31.

۱۰. حسین، غلامی و یوسف، بابایی، «مک‌دونالدی کردن عدالت کیفری»، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۴، ش ۷۰ (۱۳۸۹)، ص ۱۵۴.

11. Douglas, Savitsky, "Is plea bargaining a rational choice? Plea bargaining as an engine of racial stratification and overcrowding in the United States prison system", *Rationality and Society*, vol. 24, (2012), p. 131.

12. Indictment

۲.۱. تاریخچه نهاد معامله‌ اتهام

به‌طور کلی، آشنایی کامل با یک نهاد حقوقی افزون بر مفهوم‌شناسی فراگیر آن از دیدگاه مفاهیم لغوی و فنی، مستلزم شناسایی تاریخچه پیدایش و نیز پیشینه تاریخی شکل‌گیری و اثرگذاری آن در یک کشور است. در همین راستا، پس از مطالعه مفهوم‌شناختی معامله‌ اتهام، اینک لازم است که مطالعه فشرده‌ای نیز درباره تاریخ معامله‌ اتهام و یا بسترهای آن در نظام‌های دادرسی کیفری سرتاسر جهان انجام شود.

۲.۱.۱. نظام کامن‌لا

در نظام‌های دادرسی کیفری کشورهای پیرو نظام کامن‌لا می‌توان جلوه‌هایی از نهاد معامله‌ اتهام را دید. تردیدی وجود ندارد که این جلوه‌ها و پیامدهای سازنده آنی آنها در پیدایش پذیرش عمومی نسبت به پاسداشت نهاد یادشده در نظام‌های دادرسی کیفری مدرن نقش مهمی داشته است.

حدود چهار دهه پیش، زمانی که دیوان عالی ایالات متحده معامله‌ اتهام را به رسمیت می‌شناخت، در توجیه آن از چندین اتهام استفاده کرد. استفاده از چند اتهام به این منظور است که متهم در موضع ضعف قرار گیرد و وارد فرایند معامله‌ اتهام شود. قانون‌گذار اغلب در اعمال این صلاحیت‌ها که برگرفته از حقوق انگلستان است، دخالت نکرده است.^{۱۳}

به‌نظر می‌رسد که در کشورهای دارای سنت کیفری کامن‌لا، امکان پیاده‌سازی نهاد کیفری معامله‌ اتهام بسیار بیشتر از نظام‌های دیگر همانند حقوق نوشته باشد، چراکه به‌طور کلی استفاده از این نهاد در شمار اختیارات صلاحیدی مقام قضایی تعقیب جرم (دادستان) است. هنگامی که این مقام به تشخیص خود و در چارچوب قانون در پرونده‌ای به نهاد یادشده روی آورد، با توجه به پیامدهای مناسب و اثبات‌شده به‌نظر می‌رسد که مراجع دیگر نیز در آینده بتوانند از این مرجع متابعت کنند.

شاید بتوان یکی از مهم‌ترین دلایل کامیابی معامله‌ اتهام را در کامن‌لا، سازوکارهایی

۱۳. محمدعلی، حاجی‌ده‌آبادی و همکاران، «موقعیت داشتن تعقیب در نظام کیفری ایران با نگاهی تطبیقی»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۱۳ (۱۳۹۶)، ص ۵۸.

دانست که در این راستا پیش‌بینی شده‌اند. برای نمونه، به‌منظور کاستن از این احتمال که معامله اتهام غیرمنصفانه و یا مبهم باشد، کشورهای دارای نظام کامن‌لا تضمینات شکلی ویژه‌ای را پیش‌بینی کرده‌اند. برای نمونه در ایالات متحده در جلسه رسیدگی در دادگاه که علیه متهم کیفرخواست اقامه می‌شود، دادگاه بررسی می‌کند که آیا نهاد یادشده، ارادی، آگاهانه و واقعی بوده است یا خیر^{۱۴}.

۱.۲.۲. نظام رومی - ژرمنی

در کشورهای پیرو نظام حقوق نوشته یا قاره‌ای یا رومی - ژرمنی که گستره‌ای از کشورهای اروپایی و آسیایی را فرا می‌گیرد نیز می‌توان بستریابی از نهاد معامله اتهام یافت. این بسترها نیز همانند نظام حقوقی کامن‌لا نقش مهمی در باروری امروزین نهاد یادشده و گسترش هرچه بیشتر شمار هواداران آن در محافل دانشگاهی و نیز در میان دولتمردان و یا کنش‌گران نظام عدالت کیفری داشته است. با وجود این، باید یادآور شد که به‌طور کلی کشورهای نظام رومی - ژرمنی تا دهه ۱۹۸۰ میلادی معامله اتهام را نهادی زیان‌بار می‌پنداشتند که با اصل قانونی بودن تعقیب و نیز الزام دادگاه به رسیدگی مغایرت داشت^{۱۵}. یکی از کشورهای حقوق نوشته که وجود بسترهای معامله اتهام در آن سزاوار یادآوری است، فرانسه است. درباره فرانسه و در آغاز این بحث باید یادآور شد که حقوق فرانسه وارث حقوق رم و نمونه بارز حقوق نوشته است^{۱۶}. در واقع، نظام پیشرفته دادرسی کیفری در این کشور که اصول بسیار سرنوشت‌سازی همانند برابری سلاح‌ها و نیز رعایت حقوق دفاعی متهم را به دنیا معرفی کرده، در برخی از نهادهای سازنده و بنیادین خود، جلوه‌هایی از نهاد معامله اتهام را بیان نموده است.

مطالعه نگرش‌ها و رویکردهای نظام دادرسی کیفری فرانسه درباره نهاد معامله اتهام به

14. Jenia, Iontcheva Turner, "Plea Bargaining and International Criminal Justice", Cited in: *International Criminal Justice*, (London: CRC, first ED, 2013), p. 229.

15 Ibid, p. 224.

۱۶. علیرضا، محمدزاده وادقانی، «رویه قضایی و نقش سازنده آن در حقوق»، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۳۸ (۱۳۷۶)، ص ۴۶.

ویژه از این‌رو دارای اهمیت است که نظام کیفری این کشور به‌خصوص در بخش دادرسی کیفری خود به‌عنوان یک کشور صادرکننده آموزه‌های مهم و بنیادین حقوق کیفری شکلی و ماهوی شناخته می‌شود و از همین رو، مطالعه و امکان‌سنجی پیاده‌سازی نهادی اثرگذار و سرنوشت‌ساز همانند معامله‌ اتهام به‌ویژه از دیدگاه آمیزش آن با دیگر اصول بنیادین دادرسی کیفری دارای اهمیت شناخته می‌شود.

۲. مؤلفه‌های ساختاری و قانونی نهاد معامله‌ اتهام

معامله‌ اتهام پیش از هر چیز یک نهاد حقوقی است که در راستای اصل قانونی بودن دادرسی‌های کیفری برای دستیابی به اهداف خاصی پیش‌بینی شده است. این مهم هنگامی تحقق می‌یابد که مؤلفه‌های این نهاد نیز از سوی کنش‌گران نظام دادرسی کیفری رعایت شود.

بر پایه‌ این مراتب، در ادامه شماری از مهم‌ترین مؤلفه‌های ساختاری و قانونی نهاد کیفری معامله‌ اتهام در دادرسی‌های کیفری که پیامدهای عملی مهمی را به‌همراه دارد، از نظر گذرانده می‌شود.

۲.۱. مفاد توافق

معامله‌ اتهام پیش از هر چیز توافقی میان دادستان و متهم است و از همین رو باید از اصول کلی قراردادها پیروی کند. برای نمونه، پیاده‌سازی این نهاد در دادرسی کودکان و نوجوانان باید با استعلام از اولیای قانونی آنها انجام، و مصلحت آنان رعایت شود.

افزون بر این، مفاد توافق باید دارای ویژگی سودمندی برای نظام دادرسی کیفری نیز باشد. متهم هنگامی می‌تواند مدعی برخورداری از مزایای گوناگون این نهاد کیفری شود که اظهارات او در راه کشف حقیقت مفید باشد؛ وگرنه بیانات مبهم یا بی‌فایده او که تنها چالش‌های تازه‌ای را پدید می‌آورد در این باره بی‌تأثیر است.

۲.۲. معیار اثبات

فرایند کیفری هنگامی به‌پایان می‌رسد که عنوان یا عناوین اتهامی واردشده تعیین

تکلیف شوند. این امر نیز مستلزم اثبات یا عدم اثبات تحقق جرم و در نتیجه احراز مسئولیت کیفری متهم است که پس از آن وی را مستحق تحمل مجازات می‌کند.

از چشم‌انداز پژوهش‌های تطبیقی در کامن‌لا، معیار اثبات و احراز مسئولیت کیفری قاعده «اثبات فراتر از شک معقول» است. در کشورهای پیرو این سنت، اصل ارزیابی ادله از سوی قاضی کیفری پذیرفته شده است و این رهنمود خود در اصل برائت ریشه دارد. نظام‌های کیفری پیرو سنت حقوق نوشته همانند ایران معیار اقناع وجدانی دادرسی کیفری را پذیرفته‌اند. اگرچه معیار فراتر از شک معقول را که در دادگاه‌های کشورهای پیرو سنت کامن‌لا اعمال می‌شود، معادل اقناع وجدانی دانسته‌اند، اما همچنان تفاوت‌هایی درباره معیار اثبات جرم از دیدگاه قاعده پیش‌گفته دیده می‌شود. چندان که در کامن‌لا برخلاف حقوق نوشته قاعده پیش‌گفته باید صرفاً مبتنی بر امور موضوعی و خارجی باشد، نه اعتقاد شخصی دادرسی کیفری در مورد اثبات جرم^{۱۷}.

با توجه به این مراتب، هریک از واقعیاتی که از سوی متهم بیان شده‌اند باید بر پایه معیارهای پیش‌گفته ارزیابی شوند. از آنجا که در کامن‌لا نهاد معامله اتهام چهره یافته است، اظهارات متهم در هنگام شرح موقوف باید به‌گونه‌ای باشد که هیچ تردیدی را در دادرسی کیفری در زمینه ارتکاب یا عدم ارتکاب رفتار در دادستان و پس از آن در دادرسی بر جای نگذارد. چنان‌که در پرتو یک دادرسی کیفری عادلانه مقام قضایی بتواند در زمینه احراز مسئولیت کیفری احتمالی متهم به‌گونه‌ای عمل کند که مقتضیات عدالت به‌خوبی رعایت شود.

از دید پژوهش‌های تطبیقی در صورتی که در آینده این نهاد کیفری به نظام عدالت کیفری ایران راه یابد، اظهارات متهم در آن در زمینه اطلاعات گوناگون پرونده باید موجب اقناع وجدانی دادرسی کیفری مبنی بر ارتکاب جرم از سوی متهم و به‌دنبال آن استحقاق وی مبنی بر برخورداری از مجازاتی با شدت یک یا دو درجه کمتر از حالت بدون این نهاد شود.

۱۷. الهام، حیدری، «معیار اثبات در دعاوی کیفری در دادرسی کیفری ایران و انگلستان»، مجله مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۳، ش ۴ (۱۳۹۲)، صص ۷۲-۷۳.

در واقع، در صورتی که دادرس اقتناع وجدانی یابد که متهم با وجود هریک از اظهارات خود همچنان مرتکب جرم نشده است، تنها در شرایطی که این اظهارات مصداق جرایم علیه عدالت قضایی باشد، می‌تواند آن را با این عنوان پیگرد نماید، وگرنه اقتناع وجدانی دادرس مبنی بر عدم ارتکاب جرم از سوی متهم و تبرئه وی، دیگر مجالی را برای پیش‌بینی نهاد معامله‌ اتهام بر جای نخواهد گذاشت.

روشن است که معیارهای اثبات در هنگام تصمیم مقامات تعقیب به پیاده‌سازی نهاد معامله‌ اتهام اهمیت بسیاری دارند، زیرا در کامن‌لا، دادستان بر پایه معیار نبود تردید معقول که علی‌القاعده در جرایم سبک مطرح می‌شود، از یک سو تردیدی در محکومیت متهم به ارتکاب جرم و در نتیجه، تحمیل پیامدهای آن ندارد، و از سوی دیگر نیز متهم که بخت چندانی را برای گریز از اثبات پیش‌گفته برای خود متصور نیست و می‌داند که بر پایه ادله و قراین موجود، فرایند کیفری منطقاً به محکومیت او می‌انجامد، مصلحت خود را در معامله‌ اتهام با دادستان و برخورداری از مزایای آتی آن می‌بیند؛ چراکه به ازای پذیرش تقصیر نسبت به اتهامات خفیف‌تر، پاسخگوست و نسبت به حالت پیش از آن با مدارا با وی رفتار می‌شود.^{۱۸}

۳.۲. اختیار پلیس

یکی از مؤلفه‌های مهم و قابل بحث در زمینه نهاد معامله‌ اتهام را باید میزان اختیارات پلیس نسبت به آن دانست. این نهاد از نظام عدالت کیفری که خود به‌عنوان ضابط عام زیر نظر دادستان عمل می‌کند، بی‌گمان در حدود اختیارات دادستان در نهاد پیش‌گفته دارای قدرت عملکرد است.

در این باره باید یادآوری شود که بر پایه اصل سلسله‌مراتبی بودن دادرها، پلیس در جایگاه بازوی عملیاتی تصمیمات دادستان عمل می‌کند. هنگامی که این مقام قضایی در راستای انجام اختیارات صلاح‌دیدی خود تصمیم به انعقاد موافقت‌نامه با متهم می‌گیرد، نقش پلیس نیز دارای اهمیت است. زیرا این مأموران که بر پایه قانون وظایفی را در صحنه جرم

18. Kramer, Greg, *Plea bargaining recommendation by criminal defense attorneys: Legal psychological and substance abuse rehabilitative influences*, a thesis of Drexel U, (2005), p. 2.

برعهده دارند، می‌توانند مرتبط بودن و نیز مفید بودن اظهارات و کمک‌های متهم و یا در مقابل، انحرافی بودن آن را تصدیق کنند.

این واقعیت به‌ویژه در پرونده‌های کیفری تخصصی که مستلزم کنش‌گری حرفه‌ای مقامات پلیس است، بیشتر به‌چشم می‌خورد. مأموران پلیس می‌توانند تصدیق کنند که آیا اظهارات متهم در چارچوب نهاد معامله اتهام جای می‌گیرد یا اینکه جنبه دیگری داشته، در صورت تحقق برخی از شرایط حتی در شمار جرایم علیه عدالت قضایی، همانند تبانی با شهود دروغین قرار می‌گیرد.

۴.۲. بایسته‌های سازمانی معامله اتهام

معامله اتهام به‌عنوان جلوه‌ای از انعطاف‌پذیری در فرایند کیفری چهره یافته است. با توجه به این که پیاده‌سازی مناسب فرایند کیفری از چشم‌اندازهای پاسداری از حقوق هریک از طرفین پرونده و به‌ویژه جامعه دارای اهمیت است، افزون بر دیگر بایسته‌ها، وجود یک سازوکار نظارت بر مفاد توافق و نیز چگونگی اجرای آنها و همچنین پیامدهای عملی پدیدآمده از این راه، ضرورت دارد.

متهم آسیب‌پذیرترین کنش‌گر در میان بازیگران فرایند کیفری است و از همین رو به‌نظر می‌رسد که انعطاف پیش‌گفته و تحقق نهاد معامله اتهام بیش از هر چیز به سود اوست. به ویژه در مواردی که امکان صدور کیفرخواست و پس از آن محکومیت وی در دادگاه کیفری رسیدگی‌کننده تا حدود زیادی محتمل به‌نظر می‌رسد، وی به‌منظور کاستن از دامنه و شدت اثرگذاری پیامدهای این وضع به انعقاد توافقی با مقام تعقیب در چارچوب نهاد معامله اتهام تمایل دارد.

با وجود این، از آنجا که معامله اتهام باید به‌گونه‌ای برگزار شود که منافع هریک از دیگر کنش‌گران جامعه نیز تأمین شود، پیش‌بینی یک سازوکار نظارتی نسبت به آن بسیار مناسب است. به‌ویژه اینکه ممکن است مقام تعقیب نتوانسته باشد میزان خطر برخاسته از عناوین اتهامی را که از دیدگاه رهیافت مکدونالدی شدن نظام عدالت کیفری دارای اهمیت است، ارزیابی کرده، بر این پایه توافق خود را با متهم منعقد و نسبت به اصدار کیفرخواست اقدام کند.

بر پایه این مراتب، لازم است که همانند شماری دیگر از اقدامات دادستان که قابل اعتراض در دادگاه هستند، تصمیم او مبنی بر انعقاد نهاد معامله‌ اتهام و نتایج آن در روند نظارت وارد شود. اگرچه به نظر می‌رسد که پیش‌بینی این امر خلاف اصول کلی آیین دادرسی کیفری است و پیش‌بینی بازپرس برای این منظور در راستای اصل بنیادین تفکیک مقامات تعقیب و تحقیق از یکدیگر مناسب‌تر است، اما لازم است اشاره شود که با توجه به عدول نظام دادرسی کیفری ایران از این اصل و آمیختگی شماری از وظایف این دو مقام با یکدیگر، دادگاه می‌تواند برای انجام این وظیفه مناسب‌تر باشد.

همچنین تردیدی وجود ندارد که تصمیمات درپیش گرفته‌شده از این دیدگاه بر پایه اصول کلی قابل نظارت از سوی مراجع مربوطه در نظام دادرسی کیفری است.

۲.۵. قلمرو موضوعی معامله‌ اتهام

منظور از قلمرو موضوعی یک نهاد کیفری، گونه‌های جرایم مشمول آن است. هر نهاد کیفری هنگامی می‌تواند به اهداف ازپیش برنامهریزی‌شده خود دست یابد که قلمرو موضوعی و نیز شخصی آن به‌درستی در قانون مشخص شود. در این صورت می‌توان انتظار داشت که آن نهاد کیفری به‌خوبی واکنش جامعه را در برابر گونه‌های جرایم مدنظر بازتاب دهد.

بدیهی است که معامله‌ اتهام به‌عنوان نهادی ارفاقی نمی‌تواند درباره همه گونه‌های جرایم به‌کار رود. از آنجا که در بسیاری از نظام‌های حقوقی و نیز حقوق کیفری بین‌المللی مفهوم شدت جرم بر پایه سنجه‌های پوزیتیویستی درنظر گرفته شده و متناسب با آن به پیش‌بینی پاسخ پرداخته شده است، باید پذیرفت که نهاد معامله‌ اتهام که آشکارا دارای ویژگی‌ها و پیامدهای ارفاق به متهم است، نمی‌تواند در همه جرایم به‌کار رود. بلکه جرایم شدید، همانند اسیدپاشی، قتل و... از شمول آن خارج می‌شوند؛ مگر آنکه به تشخیص مقام تعقیب و به دلیل دشواری‌های موجود در راه گردآوری ادله و آثار جرم و یا همدستان احتمالی متهم، انعقاد معامله‌ اتهام ضرورت داشته باشد. در این صورت خود دادستان باید در فرایندهای آتی نظارت‌های اداری و قضایی بر کنش‌های خود این ضرورت را اثبات کند.

۲.۶. معامله اتهام و اصل مقتضی بودن تعقیب

یکی از اصول پذیرفته شده در دادرسی کیفری، پذیرش تفکیک میان مقتضی بودن و نسبی بودن تعقیب است. بر این پایه، نظام دادرسی کیفری باید تصمیم بگیرد که آیا پیگرد همه جرایم با هر درجه از شدت در دستور کار قرار دارد یا اینکه برخی از آنها به دلیل شدت کمتر و یا مصالح دیگر، حساسیت‌های تعقیبی چندانی را بر نمی‌انگیزاند و جامعه نیز از پیگرد متهمان سود چندانی نمی‌برد.

با آنکه نظام کیفری ایران به جهت ابتنا بر معیار قانونی بودن تعقیب اقبال زیادی به این رویکرد نشان نداده است^{۱۹}، افزایش گرایش نظام دادرسی کیفری ایران به اصل موقعیت داشتن تعقیب آشکار به نظر می‌آید.

در مقابل، ماهیت و دامنه اثرگذاری‌های برخی از جرایم و همچنین نگرش‌های افکار عمومی به آنها به گونه‌ای است که اصولاً جامعه آنها را در شرایطی نمی‌بیند که نیاز باشد نظام عدالت کیفری بر آن تمرکز کند. بنابراین اصل مقتضی بودن تعقیب را باید به نوعی یادآور مفهوم مدیریت‌گرایی کیفری نیز دانست.

بر پایه این اصل، مناسب است که جامعه با چشم‌پوشی از پیگرد کیفری آن دسته از بزهکارانی که بنابه دلایل گوناگون حقوقی، جرم‌شناختی و کیفرشناختی خطرهای بسیاری را برای جامعه پدید نمی‌آورند، توان خود را بر جرایمی متمرکز کند که شدت و پیچیدگی بیشتری داشته، با فراهم نمودن بنیادهای یک دادرسی منصفانه و نیز قانونمند، به دفاع اجتماعی بیشینه‌ای از شهروندان در برابر آن کنش‌های مجرمانه دست بزند.

با مطالعه نظام دادرسی کیفری ایران می‌توان به جلوه‌هایی از اصل مقتضی بودن تعقیب دست یافت که از آن جمله می‌توان به قرار بایگانی پرونده اشاره کرد. صدور این قرار در جرایم قابل گذشت پس از گذشت شاکی جایگاهی نداشته، نمی‌توان به برتری قرار بایگانی پرونده بر صدور قرار موقوفی تعقیب اعتقاد داشت. لذا حل این معضل جز با مداخله

۱۹. حاجی ده‌آبادی، پیشین، ص ۵۷.

قانون‌گذار راهی ندارد؛ مگر تفسیر به رأی^{۲۰}. در هر صورت، همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد، این اصل به این مفهوم است که جامعه چالش‌های چندانی را از متهمان به ارتکاب این عناوین مجرمانه احساس نمی‌کند. بنابراین سود جامعه در خودداری کردن از تعقیب این دسته از جرایم و بایگانی نمودن فعالیت‌های انجام‌شده در این راه از سوی ساختارهای نظام دادرسی کیفری است.

۳. امکان‌سنجی مؤلفه‌های قانونی و ساختاری معامله‌ اتهام در نظام عدالت کیفری ایران

در گفتار پیش مهم‌ترین مؤلفه‌های قانونی و ساختاری نهاد معامله‌ اتهام بررسی شد. اینک باید دید که هریک از مؤلفه‌های پیش‌گفته در نهادهای قانون‌گذاری، قضایی و فرهنگی نظام عدالت کیفری ایران چگونه متبلور می‌شوند. از این راه می‌توان به امکان‌سنجی مناسب و آزموده‌ای از پیاده‌سازی این نهاد برگرفته از نظام‌های دادرسی کیفری غربی در کشورمان پرداخت.

۳.۱. معامله‌ اتهام و نهاد قانون‌گذاری نظام عدالت کیفری

پیش‌تر نیز گفته شد که نهاد معامله‌ اتهام در مدل ناب خود در قوانین کنونی کشورمان جایگاهی ندارد. با وجود این، مطالعه شماری از متون قانونی در ایران نشان می‌دهد که برخی نهادهای کیفری مشابهت‌های بسیاری با معامله‌ اتهام دارند. باید پذیرفت که وجود این نهادها می‌تواند بستر مناسبی را برای پذیرش معامله‌ اتهام در ایران پدید آورد که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

۳.۱.۱. عدالت ترمیمی

نظام عدالت کیفری در ابتدای شکل‌گیری بر مجرم و مجازات کردن او متمرکز بود، اما به تدریج در کنار بزه‌کار، رکن دیگر جرم، یعنی «بزه‌دیده» نیز مطرح و نظام عدالت کیفری

۲۰. علیرضا، میلانی و علی، پورقاسم، «بایگانی پرونده کیفری»، مجله مطالعات علوم اجتماعی، دوره ۲، ش ۱ (۱۳۹۵)، ص ۱۲.

دستخوش تغییر شد و زمینه‌های ظهور عدالت ترمیمی فراهم گشت.^{۲۱} دستیابی هم‌زمان به تنبه بزهکار و نیز بازسازی کم‌وبیش شتابان زیان‌های برخاسته از جرم بر متهم سبب شد تا این رهیافت بیش‌ازپیش در قوانین دادرسی کیفری جلوه‌گر و سازوکارهای مناسب آن نیز پیش‌بینی شود.

عدالت ترمیمی با وجود خاستگاه‌های سنتی خود در آموزه‌های دینی و نیز سنت‌های بومیان اقیانوسیه و امریکای شمالی جنبشی نوپدید در جهان است که بر ارائه پاسخ‌های غیررسمی به بزهکاری تمرکز دارد. در این رهیافت، بزهکار و بزه‌دیده با هدف بازسازی پیامدهای زیان‌بار واردآمده بر طرف اخیر سازوکارهایی را پیش‌بینی می‌کنند. بزهکار تقصیر خود را پذیرفته، برای دستیابی به مناسب‌ترین راهکارهای بازسازی این خسارات با بزه‌دیده به گفتگو می‌پردازد.

پیاده‌سازی این رهیافت در ناکامی عدالت کیفری دست‌کم در برخی از روندهای مدیریت کیفری جامعه ریشه دارد. در واقع، منتقدان معتقدند که نظام عدالت کیفری در عین انجام سرمایه‌گذاری کلان مالی و انسانی در تحقق عدالت و حل معمای بزهکاری به توفیق چندانی دست نیافته است. شاید بتوان یکی از این علل ناکامی را حجم بالای پرونده‌هایی دانست که سنگینی آنها فرصت هرگونه ابتکار عملی را از نظام کیفری و قضایی سلب کرده است. این انتقادات باعث گسترش نوعی عدالت مصالحه‌ای یا سازشی به نام عدالت ترمیمی شده است که رضایت و توافق طرفین دعوا عنصر اساسی این گرایش محسوب می‌شود.^{۲۲} امروزه در ماده ۱ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ دیده می‌شود که پیاده‌سازی عدالت ترمیمی در میان اصول راهبردی از یک سو، و در مواد فنی این قانون به‌ویژه در چارچوب نهاد میانجیگری کیفری نیز چهره یافته است.

البته با آنکه این قانون با گفتاری نوآورانه جایگاه رهیافت عدالت ترمیمی را در کشورمان

۲۱. مجتبی، فرمند و حسین، آقایی‌نیا، «جلوه‌های عدالت ترمیمی در نهادهای موجب سقوط کیفر در قانون مجازات اسلامی»، مجله پژوهش‌های دانش انتظامی، ش ۷۲ (۱۳۹۵)، ص ۶۱

۲۲. مجتبی، جانی‌پور و رخساره، قریب، «مطالعه تطبیقی قلمرو و معیارهای اعمال میانجی‌گری کیفری در حقوق ایران، انگلیس و بلژیک»، مجله پژوهشنامه حقوق کیفری، ش ۱۵ (۱۳۹۶)، ص ۲۳۸.

نهادینه ساخته، اما روی‌آوری به آن تنها به جرایمی محدود است که بازسازی خسارات مادی بزه‌دیدگان آنها مد نظر است. وگرنه برای جرایم شدید و نیز جرایم بدون بزه‌دیده باید به دیگر رویکردهای شناخته‌شده در علوم جنایی همانند شدت‌گرایی متوسل شد.

در قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲، بیان عدالت ترمیمی در ماده ۱ و جای‌گیری آن در میان اصول راهبردی این قانون نشان‌دهنده چشم‌انداز روشن این رهیافت در کشورمان است. بنابراین امروزه متهم می‌تواند در پرتو این رهیافت از پیامدهای ناگوار جرم‌شناختی و عدالت کیفری سزادهنده گریخته، با پذیرش تقصیر خود، کوشش در راه دستیابی به توافق با متهم و نیز بازسازی ضرر و زیان‌های وارده، تحقق عدالت را نیز شتاب بخشد.

با اینکه تفاوت‌هایی راهبردی میان این نهاد کیفری با معامله‌ اتهام وجود دارد، اما به نظر می‌رسد که هر دو در دموکراتیک شدن فرایند کیفری مشابهت دارند. به عبارت دیگر، درگیر ساختن متهم در چگونگی جریان فرایند کیفری راهکاری است که از یک سو به سود خود او تمام می‌شود و از سوی دیگر در نهاد معامله‌ اتهام مقام تعقیب را در راه پردازش راهبردهای تعقیبی مناسب کامیاب ساخته، از منظر دیگر در نهاد عدالت ترمیمی به بازسازی مناسب و شتابان زیان‌های وارده بر بزه‌دیده می‌انجامد.

بر پایه این مراتب، به نظر می‌رسد که وجود نهاد عدالت ترمیمی می‌تواند ظرفیت‌های مناسب نظام دادرسی کیفری ایران را در راه پذیرش نهادی همانند معامله‌ اتهام که خود بیانگر قراردادی شدن آیین دادرسی کیفری در بازه‌های خاصی از فرایند کیفری است، نشان دهد.

۳.۱.۲. پیش‌بینی همکاری متهم با قاضی به‌عنوان کیفیتی مخفف

یکی از مهم‌ترین جلوه‌های تقنینی که به‌عنوان بستری مناسب برای پذیرش آتی نهاد معامله‌ اتهام در کشورمان به نظر می‌رسد، پیش‌بینی همکاری متهم با دادرسی کیفری به عنوان یکی از کیفیات مخففه در ماده ۳۸ ق.م.ا.ست.

در این باره باید خاطر نشان شود، هنگامی که همکاری متهم در مرحله رسیدگی در دادگاه به پیامدهایی سودمند برای او و نیز عدالت کیفری می‌انجامد، طبیعی است که این

وضعیت در همکاری پیش‌گفته در مراحل تحقیقات مقدماتی و نیز تعقیب جرم نیز امکان‌پذیر بوده، حتی بیش از تحقق آن در مرحله رسیدگی می‌تواند پیامدهای سازنده‌ای به‌همراه داشته باشد؛ به‌ویژه اینکه برخی از جرایم به دلیل مخاطرات فوری و گاه جبران‌ناپذیر خود باید هرچه زودتر تعیین تکلیف شوند.

۳.۱.۳. قراردادی شدن آیین دادرسی کیفری

قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در میان نوآوری‌های گوناگون خود، جلوه‌هایی از قراردادی شدن دادرسی کیفری را نیز پیش‌بینی کرده است. باید یادآوری نمود که رویکرد سنتی حقوق کیفری به دلایل متعدد حقوقی، جرم‌شناسانه، مدیریتی و غیره با تغییرهای بنیادین مواجه شده است. قراردادی شدن حقوق کیفری از اصلی‌ترین این تغییرهاست که بر اساس آن اراده یکی از طرفین دعوی کیفری، یعنی بزه‌دیده، به رسمیت شناخته شده است و با قائل شدن نقش فعال و پویا برای وی در صورت احراز شرایطی در فرایند تعیین سرنوشت دعوی کیفری مداخله نمایند^{۳۳}. این انعطاف‌پذیری می‌تواند در امکان‌سنجی پیاده‌سازی معامله اتهام نیز دارای اهمیت باشد.

در چنین سازوکارهایی تمام یا قسمتی از فرایند کیفری به‌ویژه دادرسی ماهوی حذف شده، چگونگی تعیین سرنوشت دعوی کیفری از طریق توافق طرفین انجام می‌شود^{۳۴}. به این ترتیب، متهم که تا پیش از این عمدتاً بازیگری منفعل و مشمول تحمیلات ناشی از سازوکارهای تعقیبی بود، زین پس فرصت خواهد یافت تا با یاری‌رسانی به دست‌اندرکاران فرایند کیفری و یا کسب رضایت و موافقت بزه‌دیده، فرجامی مناسب را برای خود در فرایند کیفری رقم بزند.

قانون‌گذار کیفری در مواد ۸۲، ۸۳ و ۸۴ قانون پیش‌گفته برای اولین بار به پیش‌بینی میانجیگری کیفری پرداخته است که با آیین‌نامه میانجیگری مصوب ۲۶ آبان ۱۳۹۵ در

۳۳. مراد، شمولی و محمدرضا، شادمان‌فر، «تحلیل ماهیت و قلمرو قراردادی شدن آیین دادرسی کیفری در حقوق ایران»، مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، ش ۴۸ (۱۳۹۹)، ص ۱۵۹.

۳۴. محمدمهدی، ساقیان، «حقوق دفاعی متهم در جایگزین‌های تعقیب کیفری»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱۴، ش ۱۷ (۱۳۹۸)، ص ۱۶۲.

رسیدگی‌های کیفری اعمال می‌شود. به این ترتیب، جایگزین‌های تعقیب که در میانه قرار بایگانی پرونده و قرار جلب به دادرسی قرار می‌گیرد، جلوه بارزی از فرایند قراردادی شدن حقوق کیفری است. معامله‌ اتهام نیز از این دیدگاه دارای اهمیت است و در صورت پیش بینی در قوانین آتی روند قراردادی شدن آیین دادرسی کیفری را شتاب می‌بخشد.

۲.۳. معامله‌ اتهام و ساختار قضایی نظام عدالت کیفری ایران

افزون بر نهاد قانون‌گذاری، باید دید که در سازه قضایی نظام عدالت کیفری ایران چه بسترهایی برای پذیرش احتمالی نهاد معامله‌ اتهام وجود دارد تا از این راه بتوان به ورود این نهاد کیفری پیش‌تر آزموده‌شده به کشورمان امیدوار بود.

۱.۲.۳. دستورالعمل‌های رئیس قوه قضائیه

یکی از مهم‌ترین بسترهایی موجود که برای پیاده‌سازی احتمالی نهاد معامله‌ اتهام در کشورمان مناسب به نظر می‌رسد، دستورالعمل‌های رئیس قوه قضائیه است که گاه در شکل بخشنامه و شیوه‌نامه صادرشده رویکردهای مناسب و روزآمد را برای اداره مراجع قضایی پیشنهاد می‌کند.

با اینکه جایگاه ریاست قوه قضائیه یک سمت قضایی نیست، اما این مقام مکلف است به مدیریت بهینه دستگاه قضایی مبادرت ورزد و از همین رو اگر پذیرفته شود که معامله‌ اتهام نهادی سودمند برای جامعه است، باید بتواند در پرتو صدور بخشنامه‌های مقتضی زمینه‌های تبلور آن را در نظام عدالت کیفری ایران فراهم کند. لازم است خاطر نشان شود که بر پایه اصل ۱۵۷ قانون اساسی، وی باید مدیر و مدبر و نیز آگاه به امور قضایی باشد و بی گمان شناخت تحولات کیفری آزموده‌شده در نظام‌های دیگر و کوشش برای امکان‌سنجی پیاده‌سازی آنها در ایران یکی از جلوه‌های این آگاهی به‌شمار می‌آید.

بی‌گمان این دستورالعمل‌ها برای مراجع قضایی لازم‌الاتباع است، اگرچه بر پایه اصول بنیادین حقوقی به‌ویژه اصل حاکمیت قانون و نیز اصل قانونی بودن مراجع قضایی، نمی‌توان انتظار داشت که رئیس دستگاه قضا در آنها نهاد حقوقی نوینی را تأسیس کند. با این همه، این امکان وجود دارد تا در صورت استنباط مفید بودن نهاد کیفری نوینی برای نظام دادرسی

از راه صدور دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های مناسب، زمینه اجرای آن را فراهم سازد.

امروزه دیده می‌شود که رئیس دستگاه قضا برای تعیین و پیش‌رانی سیاست‌های قضایی جمهوری اسلامی ایران، به اصدار آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های گوناگونی دست زده است. چهره یافتن چشم‌انداز قراردادی شدن آیین دادرسی کیفری در این بخشنامه‌ها می‌تواند به نهادینگی باورمندی به ورود نهادهایی با ویژگی‌های دموکراتیک کیفری، همانند معامله‌اتهام به نظام عدالت کیفری کشورمان بینجامد.

۳.۲.۲. انعطاف‌پذیری در سیاست کیفری

یکی از بنیادی‌ترین ویژگی‌های سیاست کیفری موفق را باید انعطاف‌پذیری در شرایط گوناگون دانست. جرم پدیده‌ای پیچیده است و آمیزش آن با شرایط گوناگون محیطی می‌تواند در برخی موارد جامعه را با پیامدهایی غیرقابل پیش‌بینی مواجه سازد؛ از همین رو، سیاست کیفری پیاده‌شده در برابر این پدیده نیز باید از ویژگی‌های مشابهی برخوردار بوده، دست‌کم با دارا بودن انعطاف‌پذیری‌های لازم پاسخ‌های مناسبی را در برابر آن نمایش دهد.

با اینکه ویژگی بنیادین سیاست کیفری نمایش پاسخ‌های سرکوبگر در برابر جرم و سزاجایی ذاتی آن است، اما گاه مدیریت کیفری که در شمار بنیادی‌ترین رسالت‌های نظام های عدالت کیفری است اقتضا می‌کند که پاسخ‌های کیفری نمایش داده‌شده بیش از گذشته با شرایط پدیدآمده متناسب باشد.

آنچه این اندیشه را بیشتر تقویت می‌کند، این واقعیت آشکار است که جزم‌گرایی کیفری نسبت به پدیده مجرمانه هرگز نمی‌تواند به پیدایش مدیریت کیفری پیروزمند منجر شود. از همین رو، مشاهده می‌شود که برخلاف پیشینه سزاجایی حقوق کیفری، اندیشه‌هایی تعدیل‌کننده همانند ارفاق‌گرایی کیفری و یا مردمی شدن آیین دادرسی کیفری مطرح می‌شود تا از این راه بتوان به مدیریت هرچه بهتر تکانش‌های گوناگون حاصل از پدیده مجرمانه امیدوار بود.

انعطاف‌گرایی پیش‌گفته که از آمیختگی با اندیشه‌های جرم‌شناختی بیشتر تقویت می‌شود، گاه مستلزم این است که مدیریت فرایند کیفری به جای یک‌سویگی سنتی، دوسویه

شده، متهم نیز به‌عنوان کنش‌گری فعال در این راه، ظرفیت‌های احتمالی خود را در اختیار نظام عدالت کیفری قرار دهد.

به اعتقاد نگارندگان، پیچیدگی‌های روزافزون پدیدآمده در انواع گوناگون جرایم تا آنجاست که در بیشتر موارد، متهم تنها کنش‌گر در یک پدیده مجرمانه نبوده، کنش‌گران انسانی گوناگون دیگری نیز در این راستا به‌چشم می‌خورند. از همین رو، عقلانیت سیاست کیفری مستلزم این واقعیت بدیهی است که از متهم برای احاطه بر زوایایی گوناگون پرونده و یافتن مرتب‌ترین، شرکا و معاونین احتمالی استفاده شود. این راهبرد می‌تواند با نوید امتیازاتی چون صدور کیفرخواست به‌گونه‌ای مناسب‌تر برای متهم، سیاست کیفری را هرچه زودتر به اهداف خود در راه کشف زوایای تاریک پرونده برساند.

۳.۳. معامله‌ اتهام و سازه فرهنگی نظام عدالت کیفری ایران

از چشم‌انداز فرهنگی نیز می‌توان بستری را در نظام عدالت کیفری ایران برای پذیرش احتمالی آن دریافت. این بسترها نیز در ادامه تبیین می‌شوند.

۳.۳.۱. مشروعیت‌فزایی نظام دادرسی کیفری

نظام کیفری بیش از دیگر سازه‌های نظام حقوقی نیازمند مشروعیت است، چراکه به‌طور مستقیم و در راستای برپا داشتن عدالت کیفری، حقوق و آزادی‌های بنیادین متهم را با هدف برقراری عدالت و به سود بزه‌دیده و جامعه محدود می‌کند؛ از همین رو نیاز دارد تا به استناد به اصول بنیادین حقوق کیفری، مشروعیت خود را اثبات کند.

در میان شاخه‌های گوناگون حقوق کیفری، نظام دادرسی کیفری این ضرورت را بیشتر از دیگر خرده‌نظام‌ها احساس می‌کند، چراکه آیین دادرسی کیفری بستر ارزش‌ها و حقوق بنیادین شهروندان است. از همین رو در روزگار ما، قوانین آیین دادرسی کیفری مواد خود را به دو دسته اصول راهبردی و مواد فنی تقسیم نموده، بر مطابقت مواد فنی با اصول پیش گفته از چشم‌انداز ماهیت و کارکردها که نقش قانون اساسی را در یک کشور ایفا می‌کند، پافشاری کرده‌اند.

پاسداشت هرچه بیشتر حقوق متهم و توانمندسازی جایگاه او رهاورد پیش‌بینی سازوکارهای لازم برای نهاد معامله‌ اتهام در نظام کیفری است. در واقع، مداخله دادن متهم در فرایند کیفر از رهگذر پیاده‌سازی معامله‌ اتهام گواه این واقعیت است که نظام کیفری در صدد تحقق بیشینه‌ای از عدالت کیفری به‌گونه‌ای مشروع و با رضایت قلبی متهم است؛ امری که در روند سنتی عدالت کیفری گاه بر اثر شائبه‌هایی همانند اعتراف اجباری - که در قانون اساسی و نیز قوانین عادی بی‌اعتبار شمرده شده است - کم‌رنگ می‌شود.

۳.۳.۲. استفاده از پیامدهای سازنده جرم‌شناختی معامله‌ اتهام

امکان‌سنجی پیاده‌سازی یک نهاد کیفری مستلزم توجه به پیامدهای سازنده احتمالی آن است. در این میان تجربه تجلی نهاد معامله‌ اتهام در نظام‌های کیفری غربی نشان می‌دهد که دستیابی به برآیندهای جرم‌شناختی نیز مد نظر پیش‌بینی‌کنندگان بوده است.

شاید بتوان معامله‌ اتهام را بیش از هر چیز گامی در جهت راهبرد اصلاح و درمان متهم دانست. با اینکه در این مرحله بر پایه اصول و قواعد آیین دادرسی کیفری همچنان از متهم سخن گفته و اطلاق عنوان مجرم بر فرد موردنظر نادرست است، اما همین متهم هنگامی که در روند انعقاد توافق با مقام تعقیب فرصتی برای کیفرخواستی با درجه پایین‌تر و در نتیجه، محکومیت خفیف‌تر را به‌دست می‌آورد، احتمال دارد که بیشتر در مسیر اصلاح و بازپروری گام بردارد.

۳.۴.۳. معامله‌ اتهام و پاسخ‌دهی کیفری

از آنجا که مهم‌ترین پیامد معامله‌ اتهام کاستن از میزان مجازات درخواست‌شده برای متهم در کیفرخواست و احتمالاً در دادنامه صادره از دادگاه است، مناسب است تا امکان سنجی این نهاد کیفری از دیدگاه پاسخ‌دهی کیفری نیز بررسی شود. از این منظر در آغاز به مطالعه معامله‌ اتهام از دیدگاه گونه‌های مجازات از یک سو، و سپس جایگاه آن در معادله عدالت و مصلحت پرداخته می‌شود.

۳.۴.۱. معامله‌ اتهام و گونه‌های مجازات

امکان‌سنجی پیاده‌سازی نهاد معامله‌ اتهام در ایران بر پایه گونه‌های مجازات نیز می‌تواند

تا حدودی سودمند باشد؛ از همین رو، در ادامه به مطالعه این امر از دیدگاه دسته‌بندی مجازات‌ها به شرعی و فرعی پرداخته می‌شود.

۳.۴.۱.۱. معامله‌ اتهام و جرایم مستوجب مجازات‌های شرعی

مجازات‌های شرعی در نظام کیفری ایران به دلیل ویژگی‌هایی چون غیرقابل تغییر یا اصلاح‌ناپذیر بودن نمی‌توانند بستری برای پیاده‌سازی نهاد کیفری معامله‌ اتهام باشند.

این اندیشه به‌ویژه از این رو وجاهت می‌یابد که مجازات‌های شرعی مشمول نهادهای ارفاقی کیفری نمی‌شوند و تأسیسات کیفری که به مفهوم کاستن از شدت پاسخ‌های سرکوبگر نسبت به آنان است، این نهادهای کیفری را آماج خود قرار نمی‌دهد.

درباره حدود باید دانست که رهنمودهایی همانند منع پذیرش شفاعت در حد و نیز غیرممکن بودن تأخیر در آن، موانع مهمی برای باورمندی به امکان پیاده‌سازی نهاد معامله‌ اتهام در آن است.

در قصاص نیز به دلیل ماهیت خصوصی این مجازات، هرگونه تغییر در سرنوشت مجازات باید تنها از رهگذر اراده ولی یا اولیای دم در قتل نفس و یا بزه‌دیده در مادون نفس انجام شود؛ خواه پس از آن توافقی با جانی انجام شود یا خیر. به این ترتیب، در برخی از موارد در قلمرو مجازات قصاص توافقی میان قاتل و ولی دم انجام می‌شود، اما به دلیل خصوصی بودن این توافق و نیز انعقاد آن پس از صدور محکومیت به قصاص، نمی‌تواند با نهاد معامله‌ اتهام که لزوماً در مرحله تعقیب و میان دادستان و متهم منعقد می‌شود، همانند دانسته شود.

دیه نیز با وجود ویژگی مالی، همانند قصاص مجازاتی خصوصی است. به همین ترتیب، توافق بزه‌دیده با ولی دم در مورد کاهش میزان دیه، حتی اگر به صورت قراردادی رسمی منعقد شود و اعتبار اسناد رسمی لازم‌الاجرا را داشته باشد، باز هم تفاوت پیش‌گفته را با نهاد معامله‌ اتهام دارد.

به این ترتیب، صرف نظر از این ایراد که اصولاً معامله‌ اتهام مربوط به مرحله تعقیب

است و طرفین آن، متهم از یک سو و مقام تعقیب از سوی دیگر هستند، نباید از دیدگاه مجازات‌ها بررسی شود. حتی در صورتی که منظور از این ارزیابی، بررسی امکان تحقق نهاد معامله اتهام در فرایند کیفری منتهی به مجازات حدی باشد، باز هم باید به دلیل ویژگی‌های بنیادین مجازات‌های شرعی در نظام کیفری ایران، امکان آن را منتفی دانست.

البته می‌توان تنها نهاد کیفری در قلمرو مجازات‌های شرعی را که تا حدودی شباهت‌هایی با معامله اتهام دارد، توبه دانست. به سخن دیگر، در صورتی که در این قلمرو، متهم به ارتکاب جرایم حدی به‌جز حدودی که از شمول قلمرو توبه هستند، همکاری‌هایی را با دادستان انجام دهد، در صورت حصول شرایط یادشده در ماده ۱۱۴، می‌توان آن را توبه دانست. لزوم احراز توبه برای حاکم، شباهت آن را با معامله اتهام از چشم‌انداز ویژگی قراردادی آن میان متهم و دادستان افزون می‌سازد.

۳.۴.۱.۲. معامله اتهام و جرایم مستوجب مجازات‌های عرفی

با آنکه همچنان معامله اتهام در نظام دادرسی کیفری ایران دیده نمی‌شود، اما چندان پیش‌تر گفته شد، نشانگانی در قوانین کشورمان وجود دارد که به دلیل مشابهت‌های خود با نهاد یادشده، امکان پیاده‌سازی آتی آن را در کشورمان فراهم می‌سازد.

بی‌تردید این نشانگان را باید در قلمرو اتهامات مربوط به مجازات‌های تعزیری در قانون مدنی ایران و نیز قوانین کیفری پراکنده دیگری دانست که در چارچوب پدیده فنی شدن حقوق کیفری پدیدار شده‌اند.

مطالعه نظام عدالت کیفری ایران نشان می‌دهد که در هرکجا که قانون‌گذار کیفری امکان همکاری متهم را با مقام قضایی پیش‌بینی کرده، در مقابل، ارفاق‌هایی را نیز برای او مقرر نموده است. به این ترتیب، وجود معاذیر قانونی همانند ماده ۵۰۷ ق.م.ا (تعزیرات) می‌تواند نشانه‌ای از پذیرش قراردادی شدن عدالت کیفری باشد که توجه به آن نهادینگی معامله اتهام را در قانون‌گذاری‌های کیفری آتی ایران تسهیل می‌کند.

۳.۴.۲. تعارض عدالت و مصلحت به نفع مصلحت در معامله اتهام

از دیرباز در هریک از راه‌کنش‌های کیفری جایگاه سنجه‌های عدالت و مصلحت مطرح

بوده است. با آنکه از میان آن دو، اصل بر کوشش در راه محقق کردن هرچه بیشتر عدالت بوده، اما گاه مصلحت نیز حکم می‌کرده است که انعطاف‌گرایی کیفری در پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه درپیش گرفته شود تا از این دیدگاه بتوان به مدیریت کیفری بر پایه بایسته های زمانی و مکانی امیدوار بود.

با توجه به امکان انعطاف در مجازات‌های عرفی برخلاف مجازات‌های شرعی، می‌توان پذیرفت که نهاد معامله‌ اتهام از چشم‌انداز معیارهای عدالت و مصلحت نیز سزاوار ارزیابی است. در این راستا عدالت حکم می‌کند هنگامی که متهم به هر دلیل به همکاری با نظام عدالت کیفری می‌پردازد تا از این راه پیگرد جرایم ارتكابی خود و حتی به‌طور غیرمستقیم جرایم ارتكابی دیگر را تسهیل نماید، خطرناکی کمتری نسبت به همتایان خود دارد و به این ترتیب لازم است که از ارفاق‌های موجود در قلمرو نظام عدالت کیفری برخوردار شود.

افزون بر این، سنجه مصلحت می‌تواند در راه مشروعیت نهاد کیفری معامله‌ اتهام به‌کار رود؛ چراکه یکی از ویژگی‌های بارز مدیریت کیفری، برقراری انعطاف در آن در موارد لازم است. از همین رو، هنگامی که متهم به‌گونه‌ای همکاری مؤثری را با دادستان انجام می‌دهد، مصلحت اقتضا می‌کند که برای تشویق دیگر متهمان به این امر و در نتیجه برخورداری نظام عدالت کیفری و به‌طور کلی جامعه از مزایای سودمند آن، پاداش‌هایی در کمیت ضمانت-اجرای کیفری برای این افراد در نظر گرفته شود.

به سخن دیگر، پیاده‌سازی سنجه مصلحت در قلمرو عملیاتی نظام عدالت کیفری گاه مقتضی رهیافت انعطاف‌گرایی کیفری است. با آنکه مقام تعقیب در انجام رسالت خود در فرایند کیفری مستقل از شاکی یا مدعی خصوصی و نیز متهم است، اما باید پذیرفت که گاه مصلحت اقتضا می‌کند که دادستان بسته به موقعیت، رسالت خود را با مشارکت محدود متهم و در چارچوب نهاد معامله‌ اتهام انجام دهد تا از این راه عدالت کیفری را به‌گونه‌ای مناسب محقق نماید.

البته باید دانست که در معادله عدالت و مصلحت باید بسته به ضمانت اجرای کیفری، چگونگی برابری یا برتری‌دهی یکی از آن دو بر دیگری را تشخیص دهد. برای نمونه در

حدود و قصاص این معادله بی‌گمان به سود عدالت است. از همین رو، پیاده‌سازی نهاد معامله اتهام که خود مبتنی بر مصلحت است، در این دو مجازات امکان‌پذیر نیست. البته خصوصی بودن ماهیت مجازات قصاص و امکان مصالحه ولی دم و مرتکب مبنی بر اجرا نشدن قصاص و تبدیل به دیه، خود بستری است که تا حدودی می‌تواند با توجه به پیوند آشکار با سنجه مصلحت، امکان پیاده‌سازی معامله اتهام را در آینده مطرح کند.

۴. خلأها و آسیب‌های برخاسته از نهاد معامله اتهام در ایران

یکی از بایسته‌های امکان‌سنجی پیاده‌سازی یک نهاد نوین کیفری در یک جامعه، مطالعه مزایا و نیز کاستی‌های احتمالی از رهگذر پیگیری این راهبرد است. بنابراین، معامله اتهام نیز به‌عنوان یک نهاد مستقل کیفری ممکن است در کشورمان به‌ویژه در آغاز کار کاستی‌هایی به‌همراه داشته باشد. از این راه می‌توان به این پرسش کلی پاسخ داد که آیا پیاده‌سازی این نهاد کیفری در ایران به مصلحت است یا خیر؟

۴.۱. گسست میان رویکرد سیاست کیفری ایران و دادگاه‌های بین‌المللی

با شکوفایی حقوق کیفری بین‌المللی به‌دنبال پیدایش دادگاه‌های کیفری مختلط و سرانجام تصویب اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی، امروزه گفتگو درباره میزان همگامی کشورها با اصول و قواعد حقوق کیفری بین‌المللی و برآیندهای آن بسیار مورد توجه قرار گرفته است.

در این میان، بهره‌گیری اساسنامه رم از آموزه‌های جرم‌شناختی و بزه‌دیده‌شناختی و سپس پدیداری این روند در عملکردهای دیوان در هنگام رسیدگی به وضعیت‌های مطروحه، بیش‌ازپیش بر قدرت هنجارسازی دیوان صحنه گذارده است.

واقعیت این است که اساسنامه رم از جهات بسیاری یک سند قانونی پیشرفته به‌شمار می‌آید که به‌تنهایی اساسی شدن و یا به عبارت بهتر، اساسی بودن حقوق کیفری بین‌المللی را بازتاب داده است. تأکید آشکار این سند بر حقوق متهم می‌تواند به‌عنوان نقطه عطفی در رویکردهای حقوق بشرمدار آن دانسته شود.

در این راستا باید خاطرنشان ساخت که نهاد کیفری معامله اتهام به گستردگی در

اساسنامه مراجع کیفری بین‌المللی پذیرفته شده است. در واقع، اساسنامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یوگسلاوی، رواندا، هیئت‌های رسیدگی‌کننده به رویدادهای تیمور شرقی و سرانجام اساسنامه رم دیوان این نهاد را پذیرفتند. البته به‌منظور جلوگیری از آثار سوء معامله‌ اتهام، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به تبعیت از نظام‌های حقوقی داخلی، شرایطی را برای معتبر شناختن یک معامله‌ اتهام ذکر کرده‌اند^{۲۵} که از مهم‌ترین آنها می‌توان به آگاهانه بودن آن از سوی متهم اشاره کرد. دقیقاً به همین دلیل بود که شعبه تجدیدنظر دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق، معامله‌ اتهام رخ داده در شعبه بدوی در پرونده «اردموویچ» را نپذیرفت.

با وجود این، نپیوستن ایران به اساسنامه رم با وجود قدرت هنجارسازی دیوان همچنان به‌عنوان یکی از خلأهای مهم در راه اثرپذیری از نهادهای کیفری سودمندی همانند معامله‌ اتهام به‌شمار می‌آید. به‌نظر می‌رسد که در صورت تصویب اساسنامه رم در قوه مقننه، راه برای پذیرش نهادهای کیفری موجود در آن و از جمله معامله‌ اتهام باز شود.

۲.۴. نبود تصریح قانونی و دشواری‌های اصلاح قوانین کیفری

به‌طور کلی اصل قانونی بودن دادرسی‌های کیفری از متفرعات بنیادی‌ترین اصل حقوق کیفری مدرن، یعنی اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها است. بر این پایه، هریک از مراحل فرایند کیفری باید بر پایه مقررات قانون آیین دادرسی کیفری سازماندهی شود.

بنابراین از آنجا که در حال حاضر نصی درباره نهاد معامله‌ اتهام وجود ندارد و تازگی‌ها لازم‌الاجرا شدن قانون آیین دادرسی کیفری کنونی نیز احتمال تأخیر در اصلاحات آتی را مطرح می‌سازد، باید پذیرفت که حتی با وجود پذیرش نظری مزایای گوناگون نهاد معامله‌ اتهام، احتمال جای‌گیری آن در نظام عدالت کیفری کشورمان زودهنگام نخواهد بود.

۳.۴. چیرگی فرهنگ سازش به دلیل اولویت دادن به شاکی نسبت به متهم

در فقه اسلامی و در کتاب قضاء، قاضی مکلف است پیش از آغاز امر قضا متداعیین را

۲۵. فاطمه، حصار پولادی و همکاران، «بررسی شرایط و آثار معامله‌ اتهام در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی»، مجله آموزه‌های حقوق کیفری، ش ۱۴ (۱۳۹۶)، ص ۱۱۶.

به سازش فراخواند تا از این راه حکمی مرضی‌الطرفین به‌دست آید. این آموزه در حقوق عرفی نیز وجود دارد و در هریک از قوانین آیین دادرسی مدنی و نیز کیفری، دادرسی کیفری مکلف به تشویق طرفین به سازش و سپس رسیدگی به دعواست.

بنابراین دیده می‌شود که در هر دو قلمرو، سازش که در آن گذار از فرایند کیفری با هدف تسریع در جبران خسارات شاکی اولویت دارد، بسیار توصیه شده است. با وجود این، معامله اتهام که بنابه ماهیت خود به سود متهم است، جایگاهی در این بازه‌های مفهومی ندارد. در نتیجه به اعتقاد نگارندگان از چشم‌انداز حل‌وفصل پیامدهای جرم، بهبود وضعیت شاکی بر متهم دارای برتری است.

۴.۴. ابهام در مطابقت با قلمرو موضوعی برخی از مواد قانون آیین دادرسی کیفری

برخی از مواد در قانون آیین دادرسی کیفری به‌گونه‌ای نگاشته شده‌اند که ابهام پیوند با نهاد کیفری معامله اتهام را به‌میان می‌آورند. در آن صورت باید با ارزیابی این مواد و به‌ویژه ماده ۴۴۲ قانون یادشده، پیوندهای میان قلمرو موضوعی آنها را با معامله اتهام بررسی کرد.

بر پایه این ماده در صورتی که دادستان از حکم صادره در دادگاه بدوی تجدیدنظرخواهی نکرده باشد، محکوم‌علیه می‌تواند با اسقاط حق تجدیدنظرخواهی خود در صورتی که اقدام به تجدیدنظرخواهی کرده باشد، با استرداد آن از دادگاه درخواست تخفیف نماید. در صورت وصول این درخواست، دادگاه در جلسه‌ای فوق‌العاده با حضور دادستان تصمیم‌گیری کرده، با صدور رأیی قطعی مجازات را تا یک چهارم تخفیف خواهد داد.

همان‌گونه که دیده می‌شود، پیش‌بینی یادشده با وجود تفاوت ماهوی خود با نهاد کیفری معامله اتهام، همانندی‌های اندکی نیز با آن دارد. از همین رو، بررسی همانندی‌ها و نیز تفاوت‌های این دو نهاد با یکدیگر می‌تواند امکان تطبیق آنها را با یکدیگر فراهم آورد.

در آغاز باید دانست که این دو نهاد قلمرو و اهدافی متفاوت با یکدیگر دارند، چراکه معامله اتهام قراردادی میان متهم و دادستان است. حال آنکه در ماده ۴۴۲ هیچ توافقی صورت نمی‌گیرد، بلکه به صرف درخواست تخفیف محکوم‌علیه که البته مسبوق به اسقاط حق تجدیدنظرخواهی و یا رد این درخواست است، دادگاه به تخفیف تا یک چهارم مجازات

برای او اقدام می‌کند. به این ترتیب، در ماده ۴۴۲ برخلاف معامله‌ اتهام، توافق یا قراردادی میان محکوم‌علیه یا قاضی دادگاه تجدیدنظر انجام نمی‌شود تا آثار الزام‌آور آن را داشته باشد؛ بنابراین تکلیف دادگاه تجدیدنظر مبنی بر تخفیف تا یک چهارم صرفاً الزامی قانونی است.

با این همه، آموزه ماده ۴۴۲ می‌تواند همانندی‌هایی را با نهاد کیفری معامله‌ اتهام نشان دهد. در معامله‌ اتهام، متهم اقداماتی به سود عدالت کیفری انجام می‌دهد تا به همان ترتیب امتیازی را از عدالت کیفری دریافت کند. در این ماده نیز محکوم‌علیه - و نه متهم - با اسقاط حق تجدیدنظرخواهی یا استرداد درخواست تجدیدنظر، اقدامی سودمند را برای نظام کیفری انجام می‌دهد و در مقابل امتیازی به نام تخفیف مجازات دریافت می‌کند.

افزون بر این، نقش آفرینی دادستان در هر دو نهاد نیز وجوه دیگر همانندی معامله‌ اتهام و نیز آموزه یادشده در ماده ۴۴۲ است؛ با این تفاوت که در معامله‌ اتهام دادستان یک طرف قرارداد است، حال آنکه بر پایه ماده پیش‌گفته، دادستان تنها در جلسه تصمیم‌گیری برای تخفیف تا یک چهارم حضور دارد و اگرچه دیدگاه‌های او نیز استماع می‌شود، اما در هر صورت، رسالت اصلی در این ماده بر دوش دادرسی دادگاه تجدیدنظر است.

نتیجه

معامله‌ اتهام یکی از مهم‌ترین مصادیق روند قراردادی شدن حقوق کیفری است که امروزه با شتابی فزاینده سرتاسر نظام‌های دادرسی کیفری را بنابه ضرورت‌های موجود فرا گرفته است. این نهاد پیامدهای سازنده گوناگونی را در نظام دادرسی کیفری دارد. از همین رو، پیاده‌سازی آن در کشورهایی که هنوز به استفاده از آن باورمند نشده‌اند، مناسب به‌نظر می‌رسد.

آنچه این برداشت را توجیه می‌کند، این واقعیت آشکار است که در دوران جهانی شدن حقوق کیفری و آیین دادرسی کیفری می‌توان نهادهای کیفری بسیاری را دید که پس از پیاده‌سازی موفق در کشوری به نظام کیفری کشور دیگر راه می‌یابند. این روند البته پس از آزموده شدن آن نهاد کیفری در کشورهای دیگر و مشاهده پیامدهای مثبت آنها انجام می‌شود. از آنجا که قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نهادهای نوینی را از نظام‌های دادرسی

کیفری غربی برگرفته است، باید به امکان‌سنجی نهاد مهم و کاربردی معامله‌ اتهام پرداخت و چشم‌انداز آتی آن را در کشورمان بررسی کرد.

معامله‌ اتهام نیز همانند هریک از دیگر نهادهای کیفری مؤلفه‌های ساختاری و قانونی ویژه‌ای دارد که باید به‌طور شفاف و در چارچوب اصل قانونی بودن دادرسی‌های کیفری از سوی قانون‌گذار بیان شود. در این راستا، وجود توافق میان مقام تعقیب و متهم به‌عنوان رکن بنیادین معامله‌ اتهام اگرچه در نگاه اول بدیهی است، اما خود پیچیدگی‌های بسیاری را در عمل به‌همراه دارد.

به‌طور کلی معامله‌ اتهام که در هریک از سنت‌های حقوقی اصلی در جهان آشکارا و یا به‌طور ضمنی وجود دارد، توانسته است در راه مدیریت فرایند کیفری به نظام‌های دادرسی کیفری کمک‌های شایانی بکند و نیز با روند کلی اساسی شدن حقوق کیفری نیز سازگار است. چراکه در چارچوب این نهاد، متهم نقش فعال‌تری را در روند دادرسی کیفری می‌یابد و همین واقعیت نیز به افزایش توان عملیاتی نظام دادرسی کیفری در پاسخ‌دهی به پدیده مجرمانه یاری می‌رساند.

همچنین معامله‌ اتهام به سود متهم است و مصلحت او اقتضا می‌کند که به‌ویژه در پرونده‌هایی که امکان و یا بخت چندانی برای جلوگیری از اثبات اتهام به‌وسیله‌ مقام تعقیب وجود ندارد، در روند این نهاد کیفری مشارکتی سازنده داشته باشد.

امروزه بسترهای مناسبی در سازه‌های گوناگون تقنینی، قضایی و فرهنگی نظام عدالت کیفری برای پذیرش نهاد کیفری معامله‌ اتهام در اصلاحات قانونی آتی وجود دارد. این چشم‌انداز امیدوارکننده به‌ویژه با توجه به رویکرد نظام کیفری ایران در سال ۱۳۹۲ و تصویب قوانین کیفری شکلی و ماهوی با الهام از نوآوری‌های غربی تقویت می‌شود.

با وجود این، همانند هر نهاد کیفری دیگر، معامله‌ اتهام با موانعی نیز در کشورمان مواجه است. کیفرگرایی، فرودستی جایگاه متهم نسبت به شاکی، و نیز گسست میان رویکردهای نظام دادرسی کیفری کشورمان با مراجع کیفری بین‌المللی برخی از این خلأهاست که می‌تواند مانعی بر سر راه ورود نهاد پیش‌گفته به کشورمان باشد.

به اعتقاد نگارندگان، رسالت بنیادین نظام دادرسی کیفری به‌ویژه با توجه به ماهیت

اساسی آن، جستجو برای یافتن بسترهای پیاده‌سازی نهادهای نوینی است که اصول راهبردی آیین دادرسی کیفری را بیش‌ازپیش تحقق می‌بخشد. امروزه کوشش برای ارتقای حقوق متهم و ایمن نگاه داشتن او در برابر چالش‌های احتمالی برخاسته از کنش‌گران فرایند کیفری و نیز شاکی، ضرورت اندیشه‌ورزی درباره نهاد معامله‌ اتهام را مطرح کرده است. بنابراین امید می‌رود که قانون‌گذار کیفری ایران در تحولات آتی در قلمرو آیین دادرسی کیفری بر موانع پیش‌گفته و به‌ویژه بر چالش‌های ظاهری موجود در ساختارهای کیفری، قضایی و فرهنگی چیره شده، راه را برای ورود نهاد معامله‌ اتهام و در نتیجه بهره‌مند ساختن جامعه، نظام عدالت کیفری، و به‌ویژه متهم، بگشاید.



منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. جانی‌پور، مجتبی و قریب، رخساره، «مطالعه تطبیقی قلمرو و معیارهای اعمال میانجی‌گری کیفری در حقوق ایران، انگلیس و بلژیک»، *مجله پژوهشنامه حقوق کیفری*، ش ۱۵ (۱۳۹۶).
۲. حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی و صالحی، محمدخلیل، «موقعیت داشتن تعقیب در نظام کیفری ایران با نگاهی تطبیقی»، *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، ش ۱۳ (۱۳۹۶).
۳. حصار پولادی، فاطمه و جانی‌پور، مجتبی، «بررسی شرایط و آثار معامله اتهام در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی»، *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، ش ۱۴ (۱۳۹۶).
۴. حیدری، الهام، «معیار اثبات در دعاوی کیفری در دادرسی کیفری ایران و انگلستان»، *مجله مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۳، ش ۴ (۱۳۹۲).
۵. روشن قنبری، عطاءالله، «نگاهی به معامله اتهام در حقوق ایالات متحده آمریکا»، *مجله کانون*، ش ۱۰۳ (۱۳۸۹).
۶. ساقیان، محمدمهدی، «حقوق دفاعی متهم در جایگزین‌های تعقیب کیفری»، *مجله آموزه‌های حقوق کیفری*، دوره ۱۴، ش ۱۷ (۱۳۹۸).
۷. شامبیاتی، هوشنگ و پروینی، علی، «تخصصی کردن ضابطین گامی به سوی حقوق کیفری قراردادی»، *مجله تحقیقات حقوقی آزاد*، ش ۲۵ (۱۳۹۳).
۸. شمولی، مراد و شادمان‌فر، محمدرضا، «تحلیل ماهیت و قلمرو قراردادی شدن آیین دادرسی کیفری در حقوق ایران»، *مجله تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل*، ش ۴۸ (۱۳۹۹).
۹. غلامی، حسین و بابایی، یوسف، «مک‌دونالدی کردن عدالت کیفری»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۷۴، ش ۷۰ (۱۳۸۹).
۱۰. فرهنگ، مجتبی و آقایی‌نیا، حسین، «جلوه‌های عدالت ترمیمی در نهادهای موجب سقوط کیفر در قانون مجازات اسلامی»، *مجله پژوهش‌های دانش انتظامی*، ش ۷۲ (۱۳۹۵).
۱۱. محمدزاده وادقانی، علیرضا، «رویه قضایی و نقش سازنده آن در حقوق»، *فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ش ۳۸ (۱۳۷۶).
۱۲. موسوی مجاب، سید درید و مرادی، فرزانه، «مطالعه تطبیقی نهاد دادوستد اتهام در نظام کامن لا و حقوق نوشته»، *مجله پژوهش‌های حقوق کیفری*، سال اول، ش ۱ (۱۳۹۴).

۱۳. میلانی، علیرضا و پورقاسم، علی، «بایگانی پرونده کیفری»، *مجله مطالعات علوم اجتماعی*، دوره ۲، ش ۱ (۱۳۹۵)، ص ۱۲.

ب) انگلیسی

14. Cheng, Kevin Kwok-yin, "Public Approval of Plea Bargaining in Hong Kong: The Effects of Offender Characteristics", *International Criminal Justice Review*, vol. 26, (2015).
15. Demko, Olga.S, "Institute of Plea Bargain: Features of Legal Regulation", *Journal of Politics and Law* vol. 10, No. 4, (2008).
16. Helm, Rebecca K, "Cognitive Theory and Plea-Bargaining", *Policy Insights from the Behavioral and Brain Sciences*, vol. 5, 2, (2018).
17. Iontcheva Turner, Jenia, "Plea- Bargaining and International Criminal Justice", Cited in: *International Criminal Justice*, First ED, London, (2013).
18. Kramer, Greg, *Plea bargaining recommendation by criminal defense attorneys: Legal psychological and substance abuse rehabilitative influences*, a thesis of Drexel U, (2005)
19. Savitsky, Douglas, "Is plea bargaining a rational choice? Plea bargaining as an engine of racial stratification and overcrowding in the United States prison system", *Rationality and Society*, vol. 24, (2012).